

سردار دلاور روزهای مبارزه...



مقدمه

انقلاب عظیم اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (قدس سره) از موهبت‌های ارزشمند الهی است که تاکنون ضمن به خاک کشیدن پوزه قدرت‌های استکباری، به شکل زیبایی خطوط باطل را یکی پس از دیگری افشا نموده و پیروان راستین حق را در مقابل کج اندیشان و عمل طاغوت‌های جهانی روسفید ساخته است.

انقلابی که در راستای نهضت خونین عاشورا و بهره‌گیری از فلسفه شهادت حسین عزیز و یاران پاکش به طرز معجزه‌آسایی انسان‌های دیوسیرت زمانه را از سرزمین اسلامی ایران پاکسازی نمود و به جهت تحقق کرامت و عزت انسانی مسلمین جهان، تمامی افق‌های تاریک و ایرهای سیاه را در هم نوردید و سرانجام خورشید تابناک ولایت مطلقه فقیه و زعامت دینی را در برابر میلیون‌ها انسان روشن و منور ساخت و با تاکید بر ارزش‌های الهی، درس چگونگی زیستن و چگونگی مردن را به آنان آموخت.

در این میان، آنچه جای توجه و دقت دارد و در یک کلمه مطالعه و تامل همگان را طلب می‌کند، این است که تمام ارزش‌های به ثمر نشسته‌ی در انقلاب و در رأس همه آنها پیروزی بر فکسر جهانی و سرسپردگانش، مرهون زحمات طاقت‌فرسای مردان بزرگ و تلاشگران بی‌ریایی است که از روزهای نخستین انقلاب با تبعیت از رهبری و استمداد از آیات شریف قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت برای روشنگری امت‌های اسلامی قدم‌های استواری برداشتند و در جهت معروف‌گستری و منکرزدایی در میان مردم، حتی از خون پاک خویش مایه گذاشتند.

یک نمونه از این بزرگ‌مردان تاریخ که قلب بشریت مظلوم محسوب می‌گردد، مرحوم استاد شهید عبدالکریم هاشمی نژاد است. دلاور مردی که به‌رغم انجام سخنرانی‌ها و نوشتن مقالات متعدد در ابعاد مختلف زندگی‌اش باز هم بسیاری از ابعاد وجودی‌اش برای مردم ناشناخته مانده است.

در نوشته‌ای که فراوی شما قرار دارد، فقط به یک بعد از ابعاد گوناگون زندگی پربار آن شهید جوانمرد و فاضل یعنی مبارزات سیاسی اشاره می‌شود. بدان‌آید که ایستادگی و مقاومت در راه رسیدن به پیروزی نهایی را در نهاد قاطبه انسان‌های مسلمان، به‌ویژه مسئولین دلسوز مملکتی و همسنگران آن شهید عزیز زنده بدارد. سیر مبارزات این استاد شهید را در دو عنوان کلی می‌توان بررسی کرد:

الف) مبارزات قبل از پیروزی انقلاب
ب) مبارزات بعد از پیروزی انقلاب

مبارزات قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

مرحوم استاد شهید هاشمی نژاد پس از بهره‌وری از محضر پرفیض مرحوم آیت‌الله کوهستانی در زادگاه خود «بهشهر» و پایان دوره مقدماتی مربوط به دروس حوزه، با روحی سرشار از معنویت و عشق به خدا به قم مهاجرت می‌کند و در محضر درس حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی و امام خمینی قدس سره الشریف حاضر می‌شود و در طی چهارده سال شاگردی ملجأ و مراد خودش حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی قدس سره، ضمن رسیدن به مرحله اجتهاد و بهره‌مندی از دانش فقه‌ای اسلام، درس مبارزه و عصبان علیه طاغوت و عمال کفر جهانی را از آن امام همام و نایب به حق امامان معصوم می‌آموزد و به عنوان چراغ پر فروغ هدایت، در جهت روشنگری انسان‌های تحت ظلم و ستم نورافشانی می‌کند. نگارش و تالیف کتاب پر ارزش «مناظره دکتر و پیر» او در کنار هم‌زمان بزرگوار و دیگر شاگردان و فرزندان

مرحوم شهید هاشمی نژاد تا قبل از سال ۴۰، بارها در منابر و سخنرانی‌ها به افشای رژیم شاه پرداخت و بارها به شهرتانی احضار شد. بعد از عزیمت به مشهد و ارتباط با آیت‌الله واعظ طبسی که در آن شرایط به عنوان یک چهره علمی و مبارزاتی در راه امام قدس سره و برای پیروزی اسلام فعالیت می‌کرد، مبارزات این شهید در قالب سخنرانی‌های پرشور، آهنگ بیشتری یافت.

بیش از سیزده بار به شکل مخفیانه در همان دوران حاکمیت رژیم چمنی شاه تجدید چاپ شد.

افشای ماهیت پلید رژیم شاه با پذیرش زندان و شکنجه

مرحوم شهید هاشمی نژاد تا قبل از سال ۴۰، بارها در منابر و سخنرانی‌ها به افشای رژیم شاه پرداخت و بارها به شهرتانی احضار شد. بعد از عزیمت به مشهد و ارتباط با خطیب گرانقدر حضرت آیت‌الله واعظ طبسی (نماینده ولی فقیه و تولیت معظم آستان قدس رضوی) که در آن شرایط به عنوان یک چهره علمی و مبارزاتی در راه امام قدس سره و برای پیروزی اسلام فعالیت می‌کرد، مبارزات این شهید در قالب سخنرانی‌های پرشور، آهنگ بیشتری یافت.

با اوج‌گیری نهضت و انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی قدس سره در ۱۵ خرداد، این شهید جوانمرد و فاضل که برای رساندن پیام امام از هرگونه فداکاری و جان‌بازی دریغ نمی‌نمود، پس از چندین سخنرانی افشاگرانه در تهران همراه جمعی دیگر از یاران امام عزیز قدس سره، پس از دستگیری امام، دستگیر و زندانی می‌شود. پس از آزادی از زندان مجدداً همراه دوستان صمیمی و عزیزش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و استاد ارجمند واعظ طبسی، بار سنگین مبارزه با رژیم شاه را در مشهد و دیگر شهرستان‌های کشور به‌طور ایران بردوش کشید و با سخنان حماسی و انقلابی‌اش به افشای مفاصد رژیم طاغوت پرداخت.

داستان مسجد قبل مشهد

پس از طرح لوایح ششگانه از سوی رژیم شاه در جهت هرچه بیشتر به بند کشیدن مردم مظلوم ایران در سال ۱۳۴۲، برای دهه فاطمی از مرحوم شهید هاشمی نژاد دعوت شده بود تا در مسجد قبل، واقع در پائین‌خیابان مشهد (یکی از مناطق محروم) این شهر سخنرانی کند. بعد از چند شب سخنرانی، به لحاظ منطق قوی و سخنرانی پر شور ایشان، خیابان‌ها مملو از جمعیت می‌شود، به طوری که بنا به اظهار شاهدان عینی، خیابان از پنج راه پائین‌خیابان تا فلکه حرم حضرت (رضاع) بسته می‌شود و جمعیتی در حدود ۲۵ هزار نفر در پای منبر و خطابه ایشان حضور به هم می‌رسانند. شب سوم که مرحوم شهید مشغول بررسی لوایح چندگانه بود و انقلاب سیاه شاه را تجزیه و تحلیل می‌کرد، ساواک متوجه خطر حضور معظم‌له در بین مردم می‌شود و اقدام به دستگیری او می‌نماید. بدین شکل که رئیس سازمان امنیت خراسان، به همراه مأمورین ساواک، برای دستگیری استاد وارد مسجد می‌شوند. شهید هاشمی نژاد متوجه جریان می‌شود و در بالای منبر در ادامه سخنرانی خود می‌گوید: «اگر برنامه سرکوبی مردم و ایجاد ترس و وحشت

راستین امام خمینی قدس سره، به‌ویژه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب و سرریز وفادار آن حضرت، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در متن مبارزه قرار می‌گیرد و در سال ۱۳۳۹ با نوشتن کتاب پراچ «مناظره دکتر و پیر»، آن هم با اسلوب نگارش خاص و با مفهومی عالی، مبارزه قلمی خود را به شکل علنی و دقیق آغاز می‌کند.

این کتاب به لحاظ محتوا و جهت‌دار بودنش مورد توجه و تقدیر عموم بزرگان اهل قلم و اندیشمندان اسلامی به‌ویژه مبارزین قرار گرفت، به طوری که بعدها در مدت زمان کمتری



و قانون جنگل را به رخ مردم کشیدن ندارید، می‌توانستید در منزل یا پیش از آنکه من منبر بروم، احضارم کنید!».

پس از قطع سخنرانی، ماموران ساواک، استاد شهید را برای بردن به بازداشتگاه و زندان به داخل یک ماشین فولکس هدایت می‌کنند و این درحالی است که مردم، خود را جلوی چرخ‌های ماشین می‌اندازند و مانع از حرکت آن می‌شوند. صدای گلوله و آتش و دود همه محوطه را فرا می‌گیرد و عاقبت بعد از شهادت چند تن از نیروهای پاک‌باخته، دستگیری دوم آن شهید نیز عملی می‌شود.

به دنبال واقعه دردناک مسجد فیل و جراحت و شهادت جمعی از مؤمنین به اسلام، در روزهای هفتم و چهلم این شهید، سخنرانان زیادی برای افشای ماهیت پلید شاه و ساواک به روشنگری پرداختند و مردم طی بیانیه‌های پی‌درپی، رژیم شاه را در مورد دستگیری استاد شهید هاشمی نژاد محکوم کردند. در یکی از اعلامیه‌ها که با امضای جمعی از مؤمنین آن روزها منتشر شده، آمده است:

«ایرانیان! پسر پیغمبر شما، دانشمند محترم جناب آقای سید عبدالکریم هاشمی نژاد، مؤلف کتاب مناظره دکتر و پیر را پس از ختم منبر گرفتند و در گیرودار گرفتن ایشان، فریاد «واعلیا» و «وامحمدای» جمعیت مستمع مظلوم و بی‌پناه را به ضرب گلوله خفه کردند... تعجب نکنید. لازمه حق‌گویی در کشور دموکراتیک ایران، کشته شدن یا زندان رفتن است... ما تا آخرین قطره خون خود ایستادگی خواهیم کرد و نخواهیم گذاشت اسلام و روحانیت و قرآن در زیر چکمه یهود پایمال گردد».

در مورد عظمت و اهمیت این رخداد، به‌رغم اینکه رژیم شاه و عمال ساواک سیاستشان پوشاندن جنایاتشان بود، در گزارش ساواک خراسان آمده است:

«طبق گزارش مامورین، آقای سید عبدالکریم هاشمی نژاد، فرزند سید حسین، در شب اخیر (۲۲-۱۹/۴/۵۲) در جلسه مسجد فیل که توسط عده‌ای از اصناف پائین خیابان تشکیل

مبارزات مرحوم شهید هاشمی نژاد بعد از دستگیری و آزادی از زندان (بعد از واقعه مسجد فیل) به جهت مراقبت شدید ساواک در زندان مشهد، رنگ تقیه به خود می‌گیرد، به‌طوری که در چنین مقطعی، آن مرحوم شهید بیشتر به روشن کردن اذهان از طریق تحلیل مسائل اعتقادی و مبارزات ایدئولوژیک اقدام می‌نماید و اکثر سخنرانی‌های پرشور خودش را در بیرون شهر مشهد (شهرهایی از قبیل تهران، شیراز، اصفهان و ...) ایراد می‌کند.

گردیده بود، شرکت و مردم را علیه مقامات دولتی تحریک و تشویق می‌کند و به جریان انتخابات آزاد شدیداً حمله می‌نماید. چون گفتن این گونه مطالب در وضع موجود برخلاف مصالح مملکت بود، لذا در لایحه (۲۳/۷/۵۲) مامورین شهرنابی به منظور جلب نامبرده به مسجد مراجعه می‌کنند، ولی اطرافیان مشارالیه که از جریان مطلع شده بودند، خود را برای مقابله با قوای انتظامی آماده نموده و روی این اصل با دستگیری نامبرده، پلیس با مقاومت شدید طرفداران وی روبرو شده که مجبور به شندت عمل گردیده و در نتیجه دو نفر به اسامی مهدی یوسفی، فرزند حسن و ماشاءالله، ژاکت فروش مقتول و پنج نفر دیگر مجروح می‌گردند».

مبارزات مرحوم شهید هاشمی نژاد بعد از دستگیری و آزادی از زندان (بعد از واقعه مسجد فیل) به جهت مراقبت شدید ساواک در زندان مشهد، رنگ تقیه به خود می‌گیرد، به‌طوری که در چنین مقطعی، آن مرحوم شهید بیشتر به روشن کردن اذهان از طریق تحلیل مسائل اعتقادی و مبارزات ایدئولوژیک اقدام می‌نماید و اکثر سخنرانی‌های پرشور خودش را در بیرون شهر مشهد (شهرهایی از قبیل تهران، شیراز، اصفهان و ...) ایراد می‌کند. او در سفر به شهرستان‌ها مردم را بر ضد رژیم منحوس شاه و عمال وابسته‌اش تحریک می‌کند و پرده از رفتارهای ناموزون و خیمه‌سبب بازی‌های آنان برمی‌دارد، به‌طوری که پس از ده شب سخنرانی متوالی در مسجد سید اصفهان پیرامون علل عقب ماندگی مسلمین، او را در ضمن یکی از خطابه‌های پرشور، برای سومین بار دستگیر و به زندان اصفهان منتقل می‌کنند.

تاسیس کانون اعتقادات اسلامی در مشهد

پس از اینکه استاد شهید در مشهد ممنوع‌المنبر می‌شود، همان‌گونه که اشاره شد مبارزه او با شاه و ساواک به جلسات روشنگرانه و محدود نیروهای خودی و کادرسازی برای انقلاب منتهی می‌شود و با تاسیس کانون اعتقادات اسلامی به اوج خود می‌رسد. مرحوم شهید هاشمی نژاد در مرکز کانون اعتقادات اسلامی در یک نقطه بسیار مناسب (وسط شهر مشهد) به پاسخ‌گویی به مشکلات انبوه جوانان می‌پردازد و آن را به عنوان یک تاذکار نو و کاملاً سازنده و جهت‌دار دنبال می‌کند.

در چنین زمانی بود که فعالیت‌های چشمگیر اجتماعی او به شکل حساب‌شده‌ای آغاز شد و به عنوان ملجاء و پناهگاه محرومین و مستضعفین، علاوه بر تدریس در حوزه علمیه مشهد، جلسات هفتگی مسداوم و مخفیانه‌ای را در منزل تشکیل می‌داد که سازندگی زیادی برای نیروهای مبارز به‌ویژه روحانیت جوان و انقلابی در خراسان داشت. در حقیقت پایه‌گذاری روحانیت مبارز مشهد به عنوان یک نهاد انقلابی، آغازش از همین جلسات بود. به دنبال تشکیل چنین جلسات مخفیانه‌ای بود که هم‌زمان با سالگرد پانزده خرداد به عنوان تجلیل از مقام شامخ شهیدان انقلاب به‌رغم ممنوعیت از منبر، در اجتماع انقلابیون مشهد و دوستان مبارز روحانی که در منزلش جمع بودند، سخنان مسبوطی را ایراد می‌کند، به

طوری که احساسات حاضرین در جلسه پس از سخنان استاد و قرائت روضه طلاب شهید مدرسه فیضیه توسط معظمله تحریک می‌شود و همگی اشک‌ریزان، ضمن هماهنگی با حضرت آیت‌الله واعظ طبسی استاد مرز حوزه و یار صمیمی مرحوم شهید هاشمی نژاد، پس از تعطیلی درس حوزه، برای نشان دادن تفر و انزجار از دولت شش‌اقدام به راه‌پیمایی باشکوهی می‌کنند.

چهارمین مرحله دستگیری

به‌دنبال همین حرکت پرشور و انقلابی که طرح‌ریزی آن به وسیله دوتن از سربازان بزرگ و وفادار امام خمینی قدس سره، یعنی حضرات آیات واعظ طبسی و هاشمی نژاد صورت گرفته بود، عمال ساواک با استفاده از تاریکی شب، وحشیانه به منزل استاد هجوم می‌برند و برای چهارمین بار او را به همراه دوستان عزیز و صمیمی‌اش از جمله حضرت آیت‌الله واعظ طبسی دستگیر می‌کنند. در مورد علت این دستگیری و بازجویی‌های انجام شده پس از آن در یکی از اسناد سازمان اطلاعات و امنیت کشور نخست‌وزیری آن زمان چنین آمده است:

نخست‌وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

خلاصه اظهارات متهمین: هاشمی نژاد در مورد تعطیل درس حوزه علمیه اظهار می‌دارد: صبح برای درس رفتن، شخصی که او را نمی‌شناختم به محل درس آمد و گفت درس‌ها تعطیل است و در توجیه تعطیل درس اظهار می‌داد، به منظور پیروی از سایر مدرسین مشهد درمورد تعطیل کردم. در مورد تحریک طلاب به تظاهرات اظهار عدم اطلاع می‌کند و بیان می‌دارد که در این مورد نقشی نداشته است. شیخ واعظ طبسی نیز تعطیلی درس را به پیروی از سایر مدرسین عنوان و اظهار می‌دارد در مورد تظاهرات دخالتی نداشته است. ۱۲ نفر طلاب فوق‌الذکر دیگر منکر شرکت در تظاهرات و دادن شعار مضربه و تحریک سایرین می‌باشند.

نظریه بازجو: اظهارات ۱۲ نفر طلاب در مورد عدم شرکت در تظاهرات و دادن شعار مضربه کذب بوده و شرکت نامبردگان در تظاهرات و دادن شعار به نفع خمینی محرز می‌باشد. سید حبیب‌الله هاشمی نژاد، از روحانیون ناراحت و مخالف رژیم بوده و تاکنون سه بار بازداشت و ۲ ماه محکومیت حاصل کرده و روز جمعه ۵۴/۳/۲۳ هـ. ق وجودی که ممنوع‌المنبر بوده، مجلسی در منزل خود ترتیب و با سخنرانی طلاب را تحریک نموده است. وی در همان مجلس اظهار نموده است طلب حق طلب را بازداشت می‌کنند و آنها را کمونیست می‌نامند که منظورشان اشاره به حوادث اخیر قم بوده است، لذا اتهام متنبسه به یاد شده محرز و مسلماً می‌باشد. شیخ عباس واعظ طبسی نیز از روحانیون مخالف رژیم بوده و از سال ۲۲ فعالیت داشته و چند بار بازداشت و سه ماه محکومیت داشته است. اتهام متنبسه به وی نیز مسلم و محرز است.

* در سند، اشتباهی سید عبدالکریم سید حبیب‌الله عنوان شده است.

این بار مدت زمان محکومیت وی دو سال است که عمده آن را در کنار هم‌رز باوفا و ارجمند خود حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب و استاد گرانقدر واعظ طبسی که در آن زمان او نیز به مدت یک سال و نیم محکوم به زندان شده بود، سپری می‌کند.

مطلب قابل توجهی که برای آن مرحوم شهید و دیگر هم‌رزمانش در آن شرایط از زندان و حبس، بسیار قابل اهمیت بود و به عنوان یک تجربه مهم در مبارزات سیاسی چندین ساله آنان مطرح بود، شناخت ماهیت پلید چهره منافقانه و مزورانه گروهک‌های مجازب اسلام و انقلاب بود: به طوری که مرحوم شهید هاشمی نژاد از آن پس علاوه بر مبارزه با شاه و ساواک، وظیفه خطیر افشای این حرامیان را نیز بر دوش خود احساس می‌کرد، لذا از داخل زندان به بیداری مردم و نیروهای انقلاب پرداخت و در افشای چهره کریه آنان به ویژه منافقین به تلاش وافر و قابل تحسینی همت گماشت و یافته‌های خود را در زمینه انحراف‌های آنان در داخل زندان، به خارج زندان منتقل کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی که خود هم‌رز آن شهید در دوران مبارزه و از شهیدان زنده انقلابند، در این زمینه می‌فرمایند: «از همان اوقات بود که کینه آقای هاشمی نژاد در دل این





بدانها عشق می ورزید. او ضمن تجلیل از شخصیت گرانقدر و کم نظیر حضرت آیت الله خامنه‌ای در حادثه سوء قصد منافقین به معظم له در ششم تیرماه، بعد از فاجعه هفتم تیر به‌رغم تائید منافقین و جو خفقان و ترور از سوی آنان، در یک سخنرانی پرشور در صحن امام، در حالی که سعی می‌کرد مردم را در صحنه نگه دارد، خطاب به سیل پرخروش و هیجان زده جمعیت می‌گوید: «این خون‌های پاک که در حزب ریخته شد، برای همیشه انقلاب را تضمین کرد.»

مقاومت تحسین برانگیز
مرحوم شهید هاشمی نژاد در مسیر مبارزه با جریانات داخلی، در برابر تمام مشکلات و حتی تهدیدها ایستادگی می‌کرد و در راه انجام وظیفه و تکلیف هیچ چیزی نمی‌توانست مانع او بشود، به‌طوری که نه تنها در خراسان، بلکه در سراسر کشور به عنوان یک انقلابی درد آشنا، مصمم، محبوب و مبارز در بین دوستان انقلاب مطرح بود.

خروش و عصیان او علیه گروهک‌های محارب مخصوصاً بعد از رو در رویی آنان با نظام مقدس اسلامی به گونه‌ای

انقلاب در آن مقطع از روند خویش مدیون افشاکاری‌های پرشور و ارشادهای مخلصانه مرحوم شهید هاشمی نژاد است، زیرا او با کینه مقدسی که از عوامل فرومایه استکبار در داخل کشور داشت، با شناختی عمیق و ژرف، خط اصیل انقلاب را به پویندگان واقعی راه امام عزیز (قدس سره) نشان داد و در کوران مشکلات و در توفان حوادث روز، به نوبه خود وسیله حفظ و دوام و قوام بود.

بود که بعضی از دوستان، شهادت ایشان را تا مرحله قطع و یقین پیش‌بینی می‌کردند، لذا گاهی به‌عنوان دلسوزی تأکید می‌کردند که ایشان امکان حفاظتی بیشتر را قبول کنند، اما ایشان فقط یک ماشین پیکان و یک راننده همراه داشت و حتی در آخرین روزهای نزدیک به ترور، قفل در جلوی ماشین نیز خراب بود و مرحوم شهید در موقع نشستن، به‌ناچار در را با دست خود تکه می‌داشت. (**)

نگارنده خود شاهد این صحنه بوده و لذا بهتر است شخصیت‌های مملکتی که اخیراً در امر حفاظت، مورد خطاب همفکر صمیمی آن مرحوم شهید، آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب بوده‌اند، این درس را نیز از شهیدان خود به خاطر داشته باشند.

افشای جریان فکری تحجر

مرحوم شهید هاشمی نژاد علاوه بر افشای مارکسیست‌ها و منافقین کوردل، نخستین کسی بود که درباره انجمن حجیته و جریان فکری و خطرناک تحجر که بعدها در منشور سوم انقلاب مورد عتاب و حمله امام خمینی (قدس سره) قرار گرفت، به افشاکاری پرداخت، به‌طوری که نوار سخنرانی و

هرچند قبل از پیروزی خطابه‌های آتشین او لرزه بر اندام ساواک و عمال شاه می‌انداخت، ولی بعد از پیروزی انقلاب، وی سعی می‌کرد در افشای منافقین، بر خوردی ارشادی و هدایتی داشته باشد، لذا به‌رغم اینکه منافقین در تمامی و یا غالب سخنرانی‌های او سعی می‌کردند تشنج ایجاد کنند و سخنرانی را به هم بزنند، معظم له سعی می‌کرد با عطف خاصی با آنان برخورد کند. او همیشه افسوس می‌خورد و می‌گفت: «این جوانان را اغفال کرده‌اند

و نمی‌گذارند با ما تماس بگیرند. حیف از این جوان‌ها، اینها را گمراه کرده‌اند، اینها را از خانواده و جامعه دور می‌کنند و نمی‌گذارند یک کلمه حرف حساب بزنند. حتی در مواردی، از اعدام منافقین ناراحت می‌شد و اظهار می‌کرد: «خدا لعنت کند سران سازمان را که باعث انحراف جوانان این مرزوبوم شده‌اند.» بعضی‌ها را نیز از تشکیلات چینی سازمان رهایی می‌بخشید و به صورت تحت نظر نگهداری و توجیه فکری می‌کرد.

عضویت در مجلس خبرگان قانون اساسی
به‌دنبال همین تلاش‌های شانه‌روزی بود که به‌رغم خواست منافقین و دیگر عوامل وابسته به استکبار جهانی، ضمن افشای گروهک‌ها، به‌عنوان نماینده مردم مازندران، به مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی انقلاب اسلامی راه یافت. استاد شهید در سنگر خبرگان امت تلاش نمود تا تمام رشته‌های عوامل فرومایه و وابسته به خارج را پنه کند. او در کنار شهید مظلوم آیت الله بهشتی، استاد واعظ طیبسی و دیگر همفکرانش از همان آغاز مجلس خبرگان به عنوان سخنگوی جمع روحانی و اسلامی آن مجلس در افشای هویت واقعی ملی‌گرایان و لیبرال‌ها و جناح سازشکار و عافیت‌طلب، به‌ویژه منافقین و احمدزاده تلاش کرد.

این حرکت‌های روشنگرانه، به‌جا و به‌موقع استاد شهید هاشمی نژاد در شرایط انجام می‌شد که بسیاری از نیروهای مسلمان، اما خوش باور، این شیوه‌ها را نابه‌جا و تند می‌دانستند و بر این شهید عالم‌مقام خرده می‌گرفتند؛ هرچند که خود آنان بعدها متوجه شدند که شمس و بيشش اسلامی و سیاسی والای استاد شهید بود که فتنه‌ها را قبل از وقوع می‌شناخت و با آنها به مقابله بر می‌خواست و اگر همگان به‌موقع نفاق منافقین را شناسایی می‌کردند و در صدد مهار آن بر می‌آمدند، این همه قربانی از بهترین چهره‌های منور اسلامی از جمله خود شهید هاشمی نژاد، شهدای محراب، شهدای هفتم تیر، هشتم شهریور و ... از انقلاب گرفته نمی‌شد.

دبیر کل حزب جمهوری اسلامی در خراسان

پس از اتمام مجلس خبرگان و موفقیت و پیروزی شهید و همفکرانش در سنگر تدوین قانون اساسی نظام خونبار اسلامی مان، استاد هاشمی نژاد به مشهد بازگشت و با توجه به دوستی و ارتباط فکری عمیقی که قبل از پیروزی انقلاب با شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی داشت، در سنگر تشکیلاتی شهید مظلوم که آن روزها به‌حق توسط خودان بزرگوار از آن با نام «معبد» یاد می‌شد، مشغول فعالیت شد. او درسنگر تشکیلات مربوط به روحانیت و پیران صمیمی امام (قدس سره) و مردم متعهد به اسلام و انقلاب، یعنی حزب جمهوری اسلامی به عنوان دبیر کل خراسان، پیکار علیه گروهک‌های ملحد و پس‌مانده استکبار را نه به شکل فردی بلکه به همراه یک جمع متشکل اسلامی دنبال کرد و ضمن روشنگری مردم، به‌دفاع از آرمان‌های اصیل انقلاب و تفکر راستین خود و همفکرانش پرداخت، و در دوران پرفراز و نشیب انقلاب با توجه به شناخت دیرینه‌اش از مرحوم دکتر بهشتی و حضرت آیت الله خامنه‌ای در زمان‌های غربت و مظلومیت این عزیزان بیش از همه این شهید هاشمی نژاد بود که از آنها به عظمت یاد می‌کرد و با دفاع قاطع و مخلصانه خود

گروهک‌های منافق پدید آمد، زیرا او از نزدیک چم‌وخم‌های کارهای آنها را دیده و دورویی و نفاق و انحرافات فکری آنان را از نزدیک لمس کرده بود.» (۱)

این مبارزه فکری و عملی شهید هاشمی نژاد در شرایطی بود که بسیاری از مبارزین و حتی بعضی از روحانیون مبارز، فریب آنان را خورده بودند و از آنان حمایت می‌کردند. او در زندان به همراه همفکر مبارز و صمیمی خود، استاد واعظ طیبسی از منافقین (به اصطلاح آن روز مجاهدین خلق) می‌خواهد تا نظریه سازمان را نسبت به وجود والا و ملکوتی حضرت مهدی (ارواختا لمقدمه‌الغدا) بیان کنند که سازمان پس از بالا و پائین کردن قضیه اعلام می‌دارد که در این باره اطلاع زیادی ندارد. از سوی دیگر طی یک جلسه مناظره رودرو با عباس مظاهری عضو منافقین، در مورد مالکیت در اسلام به بحث می‌نشیند و تمامی نظرات سازمان را مردود و انحرافی معرفی می‌کند. این قبیل اقدام‌های ارشادگرانه استاد در زندان، برای مبارزین نیز بسیار سودمند واقع می‌شود.

آزادی از زندان چهارم

به‌دنبال آزادی از زندان و با اوج گیری انقلاب، شهید همیشه به‌عنوان یکی از سه رکن مهم انقلاب در مشهد مطرح بود و سخنرانی‌های پرشور و حماسی او جسم و روح مبارزین را نشاط و جلا می‌بخشید. او در این مدت سر از پا نمی‌شناخت و سلام در حرکت بود، به‌گونه‌ای که امام و بنیانگذار انقلاب، قدس سره، به پاس سپاس از خدمات بی‌شائبه و مجاهدت‌های مخلصانه او در مبارزه علیه شاه و رژیم طاغوت در خراسان و دیگر نقاط مملکت، در سال ۵۶۷ طی نامه‌ای برای ایشان نوشتند: «من چشتم به افرادی مانند شماها روشن است.» (۲)

بعد از این پیام امام (قدس سره) که روح امید را در کالبد مرحوم شهید هاشمی نژاد و دیگر مبارزین دمید، هرچه انقلاب به سمت پیروزی نزدیک‌تر می‌شد، تحرک استاد گرانقدر هاشمی نژاد و دیگر مبارزین افزون‌تر می‌گشت، به‌طوری که در همین دوران نگارنده این سطور که در آن زمان طلبه کوچکی بیش نبودم، چهار سخنرانی مهم و آتشین ایشان را در یک روز در شهرهای قوچان، فاروج، شیروان و بجنورد شاهد بودم و استماع کردم.

در چنین زمانی او سراسر با نمی‌شناخت و مدام در تکاپو و تلاش برای به ثمر رساندن مبارزات اسلامی به رهبری امام خمینی (قدس سره) بود. به‌دنبال این تلاش‌های پیگیر و شبانه‌روزی مرحوم شهید هاشمی نژاد بود که در سال ۵۷ بار دیگر ساواکی‌های مشهد به قصد جان آن شهید به منزل ایشان حمله کردند، لیکن او را نیافتند. رهبر محبوب و عزیزمان حضرت آیت الله خامنه‌ای بعد از شهادت آن شهید در این خصوص می‌فرماید: «کاری که ساواک موفق به انجامش نشد، منافقین انجام دادند.» (۳)

این بود شمه‌ای بسیار کوتاه از مبارزات شهید هاشمی نژاد در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی.

مبارزات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از مراجعت مرجع عظیم الشان جهان اسلام و رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (قدس سره) به ایران و پیروزی باشکوه انقلاب اسلامی (همان‌گونه که در مورد فعالیت مرحوم شهید هاشمی نژاد در زندان اشاره شد)، شهید هاشمی نژاد به‌رغم احساس خطر شدید از جانب منافقین کوردل، تلاش زیادی را در جهت رسوا نمودن چهره پلید آنان از خود نشان داد، زیرا عملاً می‌دید که آنها در صدد هستند تا اساس و شالوده اسلام حقیقی را به هم بزنند و اسلام منافقین را که همان اسلام امریکایی بود، جایگزین اسلام قهاقی کنند و در مقابل اسلام ناب محمدی (ص) قرار دهند. آشکارترین چهره منافقین آن روزها در مشهد و خراسان طاهر احمدزاده بود که به عنوان اولین استاندار از طرف دولت موقت بازرگان بعد از پیروزی انقلاب در خراسان منصوب شده بود. او از یک طرف دوجرخه سوار می‌شد و از طرف دیگر دو تا ماشین به وسیله منافقین از پشت سر او را اسکورت می‌کردند.

مرحوم شهید هاشمی نژاد که ظاهراً قبل از اینکه به‌طور عمومی دست به افشای چهره‌های التقاطی را برای هم‌زمان خود بازگو می‌کرد، در یک فرصت مناسب با توجه به زمینه‌های قبلی، در یک سخنرانی پرشکوه افشاکاری می‌کند و ضمن در افتادن با منافقین به شکل علنی، رفتارهای نفاق‌آمیز احمدزاده و دیگر منافقین را با منطقی رسا و مستدل پاسخ می‌گوید.



با آقای هاشمی نژاد کمی کار خصوصی داریم... و... (۵) و جالب توجه اینکه بیش از دو روز از این ماجرا نمی گذرد که مرحوم شهید هاشمی نژاد نیز همانند معشوق و دلبنده همیشگی اش، آیت الله دکتر بهشتی توسط یکی از منافقین نفوذی به شهادت می رسد.

اظهارات امیر یغمایی معاون اطلاعات سازمان منافقین

در مورد طرح شهادت هاشمی نژاد، امیر یغمایی معاون اطلاعات سازمان منافقین در مشهد می گوید: «طرح ترور به وسیله جلال و شهاب (دو تن از اعضای سازمان) ریخته شده بود. اول قرار بود که در طرح، کل کلاسی را که هاشمی نژاد در آن تدریس می کرد بزنند، ولی بعداً چون متوجه شدند آقای علویان (۶) قاتل) لو رفته است، گفتند چون طوسی در حال حاضر در مکه است و هاشمی نژاد فرد اول مشهد است، اگر او را بزنیم کمر سیستم در مشهد می شکند، به همین دلیل نارنجکی به هادی علویان که در دهه کتابفروشی صحن حرم کار می کرد، داده شد و قرار شد به بهانه خرید کتاب و پوستر به حزب برود و در توالی حزب ضامن نارنجک را باز کند و موقع خروج هاشمی نژاد از کلاس، او را بزند. اول قرار بود طرح روز یکشنبه انجام شود، ولی به علت نیامدن هاشمی نژاد طرح اجرا نشد و قرار شد روز سه شنبه کار انجام شود و در روز سه شنبه هادی علویان به حزب می رود و موقع خروج طرح را اجرا می کند.»

سخن امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه ای درباره شهید هاشمی نژاد

غبارترین سخن برای همه پیروان راستین اسلام و خط سرخ شهیدان این است که رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خمینی (قدس سره) با دلی پسر درد و اندوه فرسوان در غم شهادت این فرزند و شاگرد عزیز و دلبنده خود فرمودند: «در روز شهادت امام جواد(ع) یکی از فرزندان و تبار آن خانواده به شهادت رسید، شهید هاشمی نژاد که من از نزدیک با او آشنا بودم و خصال و تعهد آن شهید را لمس کرده بودم و مراتب فضل و مجاهدت آن بر اشخاصی که او را می شناسند، پوشیده نیست، امروز در شهادت آن سلف صالح، این خلف صالح و متعهد از دست ما گرفته شد...»

در مورد سیر مبارزات این شهید والا مقام می توان حسن ختام مطلب را بیان دردمندانه همفکر و همسنگر بزرگش، حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی قرار داد که فرمودند:

«آقای هاشمی نژاد در راه مبارزه از همان گام های نخست طعم تلخ آزار و تعقیب و زندان رژیم را چشید و لکن این زجرها همان طور که انتظار می رفت تاثیری نبخشد، جز آنکه او را در راهش استوارتر کند. این واقعیت را می توان در فعالیت های پس از زندان آن بزرگوار به وضوح مشاهده کرد...»

آقای هاشمی نژاد نقش بسیار مؤثری در جریانات پیش از انقلاب داشت... مردم خراسان یک پدر دلسوز و یک برادر علاقمند و فداکار را از دست دادند و ملت ایران یک فرزند ارزشمند و کم نظیر را، روحش شاد و راهش جاودانه باد. ■

پانویسها:

- ۱- مصاحبه مقام معظم رهبری به مناسبت سالگرد شهادت استان شهید ۷
- ۲- پیام امام (ره) خطاب به شهید هاشمی نژاد در قیل از پیروزی انقلاب
- ۳- مصاحبه رهبر معظم انقلاب در سالگرد شهادت شهید هاشمی نژاد
- ۴- فرازهایی از سخنان شهید هاشمی نژاد در شرایط ترور و دوران اول تبلیغات ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای
- ۵- جریان خواب را نگارنده خودش از استاد واعظ طبسی (دام ظلّه العالی) شنیده است.
- ۶- نامبرده، اخراجی حزب قوچان بوده است و در مورد جذب مجسد او و دادن کار در دهه حرم به رغم تذکر دفتر قوچان سهل انگاری شده است.
- ۷- قسمتی از مصاحبه آیت الله خامنه ای در سالگرد شهادت عبدالکریم هاشمی نژاد

داخلی و خارجی در برابر این ملت به خواست خدا سرنوشتی جز ذلت و رسوایی نخواهند داشت.» (۴)

با دقت در بیانات فوق و توجه به شور و حال آن مرحوم شهید در بیان چنین سخنانی، به حق باید گفت که انقلاب در آن مقطع از روند خویش مدیون افشاکاری های پر شور و ارشادهای مخلصانه مرحوم شهید هاشمی نژاد است، زیرا او با کینه مقدسی که از عوامل فرومایه استکبار در داخل کشور داشت، با شناختی عمیق و ژرف، خط اصیل انقلاب را به پویندگان واقعی راه امام عزیز (قدس سره) نشان داد و در کوران مشکلات و در توفان حوادث روز، به نوبه خود وسیله حفظ و دوام و قوام بود.

چکامه غم و روای صادق

شهید عزیز هاشمی نژاد را زمانی منافقین کوردل از دست ما گرفتند که انقلاب و رهبری، بیشترین نیاز را به او داشت، زیرا حضرت آیت الله خامنه ای در زمان ریاست جمهوری و حزب جمهوری اسلامی، بعد از شهادت آیت الله دکتر بهشتی و دانشمند ارجمند، شهید باهنر، بیش از هر مقطع دیگری

شهید عزیز هاشمی نژاد را زمانی منافقین کوردل از دست ما گرفتند که انقلاب و رهبری، بیشترین نیاز را به او داشت، زیرا حضرت آیت الله خامنه ای در زمان ریاست جمهوری و حزب جمهوری اسلامی، بعد از شهادت آیت الله دکتر بهشتی و دانشمند ارجمند، شهید باهنر، بیش از هر مقطع دیگری به وجود ملکوتی و روح افزای شهید هاشمی نژاد نیاز مند بودند.

به وجود ملکوتی و روح افزای شهید هاشمی نژاد نیازمند بود. داستان شهادت چنین بود که قیل از شهادت شهید هاشمی نژاد حضرت آیت الله واعظ طبسی نماینده ولی فقیه و تولیت معظم آستان قدس رضوی، یکی از بهترین دوستان شهید هاشمی نژاد، با تمام علاقمندی و روای صادق خواب می بیند که مرحوم شهید هاشمی نژاد در کنار آیت الله دکتر بهشتی است. معظم له می گوید:

«خواب دیدم که آقای بهشتی وارد مشهد شد و در صحن امام نشست و با آقای هاشمی نژاد خیلی گرم و خصوصی مشغول صحبت گردید. من وارد شدم تا با این دو شهید به عنوان اینکه مهمان هستند، صحبت کنم که ناگاه شهید مظلوم بهشتی با همان حالت تواضع و فروتنی و فروتنی و چهره پشاش جلو آمد و گفت: «شما فعلاً تشریف داشته باشید، با شما فعلاً کاری نداریم، بلکه

مطالب تکثیر شده همین نور در مورد انجمن ها در سراسر ایران انتشار یافت و مورد استفاده همان قرار گرفت.

افشای وابستگان داخلی به آمریکا

همچنین قبل از هرکس دیگر این مرحوم استاد شهید بود که به مکرهای خائنین همچون بنی صدر و دیگر افراد فرومایه پی برد و نهادهای سیاسی مربوط به آنان یعنی دفتر هماهنگی، حزب خلق مسلمان و ... را به عنوان مراکز توطئه علیه نظام مقدس اسلامی معرفی کرد و در این راه حتی قدمی عقب نشینی نکرد.

مهم ترین خدمت شیرین به مردم

در همین گیرودار مبارزه با گروهکها و عمال پس مانده از قدرت ها، یکی از خدمات ارزنده و پر ارزش این شهید بزرگوار به انقلاب و مردم این بود که به عنوان یکی از دوستان صمیمی شهید زنده انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای، اصرار داشت که در آن دوران حساس و پر تنش انقلاب، معظم له پست ریاست جمهوری را قبول فرمایند و رسماً کاندیدای ریاست جمهوری نظام اسلامی ایران گردند. وقتی خبر پذیرش این مطلب از سوی همفکر و همسنگر صمیمی اش به مرحوم شهید هاشمی نژاد می رسد، بسیار شادمان و خوشحال می گردد، به طوری که همه ما این خوشحالی و سرور و وجد را از نزدیک در سخنرانی های تبلیغاتی انتخاباتی شاهد بودیم.

اعلام مقاومت در برابر توطئه های استکبار

او بارها به عنوان سرسخت ترین دشمن استکبار جهانی، در چند سال اول پیروزی انقلاب ضمن افشای ماهیت وابستگی داخلی به خارج به ویژه مزدوران آمریکا، مردم را دعوت به مقاومت و پایداری می کرد، به طوری که در یکی از سخنرانی هایش می فرمود: «اکنون که با الهام از رهنمودهای پیامبر گرانقدر اسلام و فرزند عالیقدرش فاطمه زهرا (س) انقلاب اسلامی ما به پیروزی رسیده است... امپریالیسم جهانخوار و عوامل ارتجاعی آن در منطقه می کوشند با تلاش های مذبوحانه و توطئه های شیطانی، مواعی را بر سر راه انقلاب ایجاد کنند تا به این ترتیب از صدور انقلاب که همان پیام رهایی بخش اسلام است، جلوگیری نمایند، اما ملت ما به رهبری بت شکن زمان خود، راه خویش را انتخاب کرده و هرگز فریب توطئه ها و نیرنگ های آنها را نخواهند خورد و تا پای جان از دستاوردهای انقلاب دفاع خواهد کرد و بدانید که سند اصالت انقلاب ایران، خنم نسبت به سوسیال امپریالیسم و سرمایه داری بین المللی آمریکاست.»

وی خطاب به ضد انقلاب داخلی می گوید:

«ای ضد انقلابیون! یقین بدانید که اشتباه کردید. ما ایستاده ایم و از ترورهای ناجوانمردانه شما هیچ ترسی به خود راه نمی دهیم.»

و ضمن ترسیم دورنمای حرکت مردم در مقابله با ضد انقلاب می فرماید:

«این انقلاب سرنوشتی جز شکست توطئه ها ندارد و توطئه گران